



کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

شماره ۱۶

رصدخانه مراغه

تألیف

علیق‌لی میرزا اعتضاد السلطنه

(وزیر علوم در قرن سیزدهم هجری)

بمناسبت نمایشگاه حفريات مراغه

در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

۰۱۰

۱۵

چاپ بهمن

انتشارات

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

شماره ۱۶

رصدخانه مراغه

تألیف

علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه



تهران - ۲۵۳۶

رصدخانه مراغه

در سالهای اخیر حفريات علمی رصدخانه مراغه توسط دانشگاه آذربايجان آغاز شده است و گزارشهایی چند از آنچه تا کنون مکشوف شده بوسیله آقای دکتر پرویز ورجاوند - که نظارت حفاری با ایشان است - به چاپ رسیده است^۱.

اینک برای تکمیل اطلاعات دو مدرک ناشناخته و مکتوبی را که گواه بر شوق پیشینیان در شناختن این مؤسسه علمی و تاریخچه بازشناسی رصد مراغه بوده است معرفی می کند و بمناسبت ترتیب یافتن نمایشگاه حفريات مراغه و نقشه و عکسهای آنجا با همکاری دانشگاه آذربايجان و دانشگاه تهران و وزارت فرهنگ و هنر در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران آنها را در رساله مفرد و مستقلى به چاپ می رساند.

فخستين اطلاع، مربوط به عهد صفوی و مأموریتی است که شاه عباس در سال ۱۰۱۹ پس از فتح قلعه دمد و عزیمت به حدود مراغه، به شیخ بهائی و ملا جلال منجم و ملا علیرضای خوشنویس (یعنی علیرضای عباسی کتیبه نگار) داد تافشه رصد مراغه را رسم کنند. فرزند جلال منجم موسوم به ملا کمال در تاریخ خود اجمالی ازین قضیه را چنین ضبط کرده است:

« حضرت شیخ بهاء الدین محمد و ملا جلال منجم و ملا علیرضای خوشنویس را به مراغه فرستادند که ملاحظه عمارت رصدخانه مراغه را نموده و طرح او را کشیده به نظر اشرف رسانند. »

ملا کمال چون گفته است که در ۲۲ ربیع الاول ۱۰۱۹ شاه در پای

۱- از جمله نگاه کنده به Varjavand, P. - Rapport préliminaire sur les fouilles de l'observatoire de Marāqeh. *Le Monde Iranien et l' Islam*. Paris, vol. III (1975) pp. 114-124.

قلعه دمدم از خبر فوت حاتم بیگ اعتمادالدوله مطلع شد علی الظاهر
اودرماه ربیع الثانی درحدود مراغه بوده است.^۱

اطلاع دوم از دوران ناصرالدین شاه قاجار و مربوط است به سال
۱۲۷۶ قمری مطابق ۱۸۵۹ میلادی، دروقتی که ناصرالدین شاه به هنگام
سفر آذربایجان به مراغه وارد شد و شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه
در التزام رکابش بود. شاهزاده (که به علوم هیأت و نجوم علاقه ای وافر
داشت) به اتفاق شاهزاده فرهاد میرزا (که از فضایل نامور زمان خود
بود) و ملاعلی محمد اصفهانی (که از ریاضی دانان مشهور زمان بود)
و میرزا احمد حکیم باشی کاشانی از خرابه های رصد دیدن کرد و شرحی
از مشاهدات و اطلاعات خود نوشت که خوشبختانه نسخه ای که برای
کتابخانه ناصرالدین شاه نویسانیده بوده اند بصورت رساله خطی در کتابخانه
سلطنتی بوده است و اینک در کتابخانه ملی مضبوط است.^۲ از فواید این
رساله، رسمی (نقشه) است که از وضع نپه در آن وجود دارد. ضمناً گفته
شود که اعتضادالسلطنه مجملی ازین رساله را در شماره هفتم روزنامه
علمیه ایران نیز درج کرده است. چون رساله مفصل نیست و بخط خوش
است عیناً بصورت عکسی در اینجا به چاپ رسانیده می شود.^۳
اعتضادالسلطنه درین رساله اطلاعات مفیدی را به دست می دهد

که به اختصار چنین است :

* اهل محل آنجا را «رصدداغی» می نامیده اند .

۱- تاریخ صفویان (خلاصه التواریخ - تاریخ ملاکمال) تألیف دوفتر
از درباریان شاه عباس دوم به تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان . ارک، ۱۳۳۴.
ص ۶۳. ۲- نسخه ای از این رساله به خط نسخ در کتابخانه مجلس شورای
ملی جزء مجموعه اهدائی اعتضادالسلطنه موجود است. ۳- از جناب آقای
سیاوشی مدیر کل کتابخانه ملی متشکرم که عکس نسخه را در اختیارم گذارده اند.

* مؤیدالدین عرضی رساله‌ای در باب آلات و ادوات رصد گاه
مراغه نوشته و تل رصد را در سمت غربی مراغه معین کرد ماست . ولی
تاریخ و صاف و حبیب السیر به اشتباه موضع آن را سمت شمالی نوشته اند.
مؤیدالدین عرضی کسی است که خواجه نصیرالدین او را به ساختن
عمارت مأمور کرده بود .

* - سطح تپه برای رصد تسطیح شده است .

* - طول آن چهارصد ذرع و عرضش یکصد و هشتاد ذرع معین
شده است .

* - از کاغذ غیاث الدین جمشید کاشانی (قرن نهم) به پدرش
برمی آمد که « منبر هندسی » رصد خانه مراغه در زمان او برپا و باقی
بوده است . اعتضاد السلطنه که خود در مباحث نجومی وارد بود می گوید
« هیچکس معلوم نداشت که منبر هندسی که در میان عمارت رصد مراغه
است چیست و از بهر چیست ؟ »

* - از سمت غربی تپه ، دریای شها (= دریای شاهی) پیداست .

* - وصف دخمه نزدیک به تپه را که در دو صفه آن دو علامت
قبر وجود داشته است به دست می دهد و از قول پیر مردی روایتی را از
سرجان ملکم انگلیسی نقل کرده است .

* - نقشه‌ای که از تپه رسم شده کار ملاعلی محمد اصفهانی است .

* - ناصرالدین شاه بعد از شنیدن وصف تل و دخمه از آنجا بازدید و
اعتضاد السلطنه را مکلف به نوشتن رساله موجود کرده است .

* - نیمه دوم رساله در تاریخ رصدهای مشهور است که تا آن عهد
به وجود آمده بوده است . ضمناً از آخرین ورق مستفاد می شود که
اعتضاد السلطنه در رصد استخراج زیج جدیدی بوده است .

ایرج افشار

۱۵۹۴



کتابخانه دولت علیه ایران



نمبر ۲۷۸۸ X

میرزا

اسم کتاب	سال و روز نگارش	مصنف
در چه عام	بجه زبان	
اسم محرر	تاریخ تحریر	
روی کاغذ	بجه خط و قلم	
عدد صورت	عدد سطور و حه	
جلد کتاب	عدد اوراق	
وزق مذهب	قطع کتاب	
متن و حاشیه	یک نسخه در چند جلد	
ملاحظات		

رساله در عقاید پنج مرغه در عهد مظفر شاه

مطبعت انجمن ترقی اسلامیه ۱۲۸۲



بسم الله الرحمن الرحيم

سزاوار حمد ذات خداوندیت که گوهر معرفت خود را در خزان آفاق
و نفس بود بیت نهاد و بختیار آن جوهر نفیس را موقوف فرمود
بما ورت در طرقت نعوس و بلاد شمسیم آیاتنا فی الآفاق و فی
انفسهم حتی یمیتن لهم انه الحق و ثابتة در دنا محمد و در ارب
پاک مخاطب بخطاب لولا که لما خلقت الافلاک علت غایه از خلقت
ما و و ماهی گوینده رب ارنا الله شهاد کما هی است محمد راجع
پاک انشیر و پس از آن آل و اصحاب او خصوص معیار ستوای
سطح هستی و پرکار محیط دایره حق پرستی علی فرمانروایی پادشاهی
و اولاد و امجاد او که بنموش آفاق علم و حکم و کواکب افلاک محمد و کر منند

و بعد چون هنگام الزام رکاب قمریان مالک قاب فتح بد
ناخ عباد مجبی صنایع و علوم مبدع بدایع و رسوم بختش چون در
کاویان بر عفتش در حد کثافت مانند اسطر نژاد اسکندر
شخص وجود همایونش در مرصده معدل معدل حرکات افلاک جهان
و خورشید برای جهان را بر افق سلطنت مطلع لولکب با ساسی
الذی انشره رایحه فی الافواء و هو المثلث با خلق الله شبهه
و للتظیر و للیحتاج فی امور ملکه بشت ورة الوزیر بادشاه
حذا باشد سایه از نور کی جدا باشد السلطان بر سلطان
اب السلطان ناصر شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه و اراده
مراغه نیم لایم امور و الزم شغل دین کوه رصدا بر خود محرم کرده
تا لایم حله اولد لکثوف شود که چون هلاک و خاں سلطان حکما
خواجه نصیر الله بن محمد طوسی را با مرصده امور ساخت و او را محرم نمود

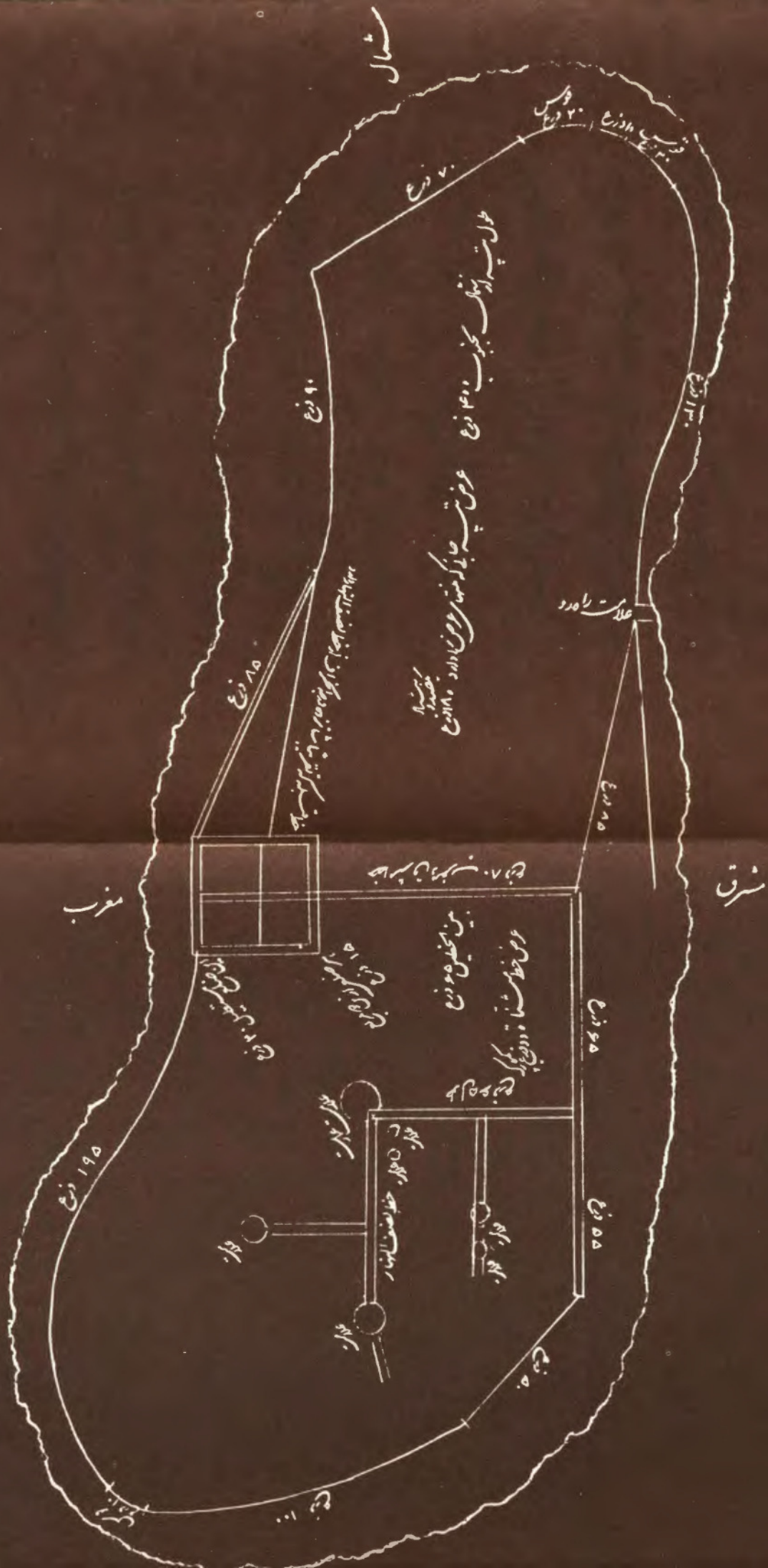
در تعیین یک از بلدان ممالک وی که مرز و بوم آن از اقل چگون آید
روم بود و آن جناب بده مراغه را برگزید و وجه در واضح درو
شود اگر چه از آثار عمارت رصدخانه از تغییرات زمانه باقی نماند
مرئی گردد بعد از آنکه روز توقف در فتح کلت سفر در شب
پنجم صفر المظفر که شمس در میزان و درجه و چهار و نیم
و تاریخ هجری بر مینوار و درایت و مقدار و شش ناقصه مطابق با چهارم
کانون الخرداد ۲۱۷۰ ناقصه اسکندری موافق با دهم ماه جلد ۱۷۸۱
به مقصد و ششاد و یک ناقصه ملک بمیه مطابق با بیست و ششم
ماه فرانس و چهار و دهم ششبر ماه روسی ۱۸۵۹ یکم از و ششصد
پناه و نه ناقصه مسیحی یکم طلوع نیر اعظم من بیده علقه با نقاش
نواب اشرف و الله نایب الدیال و فرهاد میرزا و جناب ستاد
اجل غایت الدین حمیده ثانی ملا غلام محمد صفهانی و جناب سید احمد

کاش از زمین ضرب خیام ظفر فرجام که در کنار شهر بود بخت غبار
مراغه میب نمود و این بله این تیر را رصد داغی خوانند و
نیکو شناسند و ما خود نیز علم بر این داشتیم که رصد کاه در غربا غبار
واقع شده چنانکه مؤید الدین عرضی در رساله در آلات داد و
رصد کاه مراغه نوشته فرماید فلند کر اللان الآلات التي عملنا
بالرصد المحروس بمدينة مراغه على آلات النيزى باسباب الغربا
منها بالقرب من المدينة و زهی عجب از صاحب و صاف و بلند
نایخ حبیب که نوشته تیر رصد در شمال شهر مراغه واقع شده
على اى حال چون برز بر تیر بر کهیم تا بود وسیع و مطمح اگر چه بحسب
خلعت آن تیر در نهایت خوب در مکان خوب واقع شده
بجهت امر رصد هم آن تیر را قطع کرده اند و هم بعضی ملتهای دیگر که
مانع رویت از طرف مغرب بود قطع شده و طول تیر از شمال جنوب

چهارصد ذرع بود و عرض تر چای که منتهای عرض را دارد یکصد و شصت
 ذرع و امحق در تمام بدان بر این دسیرا که مکانه برای رصد است بر آرد
 تصور نموده که افق حقیق از طرف شرق و غرب بطوری معلوم باشد
 که پس چیزهای شبیه طلوع و غروب ثوابت و سیار در نهایت جنوب
 مرئی شود و طرف جنوب ازین تر چای نذر در شمال لذلک چای است
 و لای مانع اعمال رصدیه نخواهد بود و از عمارت رصد که بر آن تکیه شده
 چنانکه مؤید الدین در همان ساله میفرماید مراجع و اجاب خواجه باین
 آن عمارت نامور داشت اگر چه غلب من نبود اما بکبر است متعلقات
 و لذات تمام بعضی آلات داد و است باز ماند هم چیزی باقی نیست و بمرور ده
 بکلی منهدم شده و لای در عهد سلطان شهید الخ پیک بن شایخ
 که در محروم سمرقند بنا بر رصد نهاد هنوز مبرهنه سی و در رصدگاه غایب بود
 چنانکه در کاغذی که استاد المهندسین عیاض الدین جمشید کاشانی

که جزو اعظم در بر صد سمرقند بود برای پدر خود در مغاخرت بخراجه
میگوید در حلقه الغنک فرموده بودند از پنج ریخته شش کز فطره
جهت صد سیر در صد آفتاب بر پنج بطلمیوس غافلند که بعد از
بطلمیوس هر صد کردند انواع دقتها استیجاب کردند و از آن حلقه
که بطلمیوس عمل کرده بودند عدول نمودند چه آن در خلعت خاست
و همگی معلوم نه است که مبرهنه سی که در میان عمارت صد علم
چیت و از بهر حقیقت این بنده صورت حال بعرض بیاورم
و تقاضای که سبب حلقه تواند بود بعرض رسیده و نیز آنکه در زمان
عصه الدوله حلقه ساخته بودند که فطره است و از آنکه سحر و جادو
و عوض آن در صد مراغه مبرهنه سی ساخته بودند نصف قطر این
که بود این در حلقه را فرمودند که گشتند و بالت و کبره بنده گفتند
این بود کلام خیانت الدین همیشه درین زمان از مغروران و عمارت

چیزی بمانده مگر دیوله نایک که یکی خط نصف النهار و مواز او خط
مشرق و مغرب فرض کرده علامت دمی در نهایت تقامت باقی
بود و در دور مت آثار میان دیوار محسوس بود چیزی که مایه اشتباه
آن بود که خط نصف النهار با قطب با قریب با نزده درجه تفاوت
داشت و اگر شش بعثت درجه او را بجهت انحراف مقابله فرض کنیم
ممکن است دل در باقی او چیزی که ممکن نیست و الا آن وجه او را بخیر
توان کو میستیم اگر چه اهل اردو با قائل تغییر نصف النهار در از فیه گفته
که در این مرحله و حیثیت چنانکه از بحث واضح می شود یکی از خطوط موازی
خط نصف النهار نبود و با نزده درجه منحرف از آن خط بود بطریق
آن خط سمت قبله است و سایر آثار دلالت بر آنجهت لکن در رصد
از بنامی اینه و دیوار محتمل که بطریق او البینه خوانده است و در این رصد
ربع نام بحداده و لابد از دیوار و بنا بر بند سرست داشت



از غریبه تپه دیای شپاید است که معروف بر یای شایسته
و در غریبه تپه دهنه رزک است که دهن دهنه رود بغرب و در آن
دهنه راهها و سوراخهاست و در آن دهنه در صفت بزرگ است
و در هر صفت علامت قبری است که طلح قبر از مشرق بمغرب
وزیر قبر سردا است که میت را اینجا گذاشته اند آقا میرمندی
پیر میر سلام الله نوازه میر فتح مراغه که پیر مرد است و در
بهشت سال دارد از قول حکم صاحب میر مسکیت و اسکیت قبر
شمعون حوله ای است در اینجا نه فون است الله بعلم
و در روز دیگر نواب ابی الا یاله بافتاق استاکم کتبه
محقق بعضی دقایق که روز قبر از اموشتره بر
رفتند و سببه که نمودند صورت این است و نموده
شده است

و بعد از دیدن آن در پنجمه مراتب بعضی همیون رسیده علم حضرت شایسته
 روز دیگر تماشای بر بالای تپه کرده بدقت سباحت فرمودند هنگام
 غروب آفتاب بود ساعت شمس محاذی خط مشرق و مغرب واقع
 زبانه از فوارت خواجه علیه الرحمه متحد کرده در حمت فرستاده پس
 از محلا حجت حکم با نیا کر شد که شرح متر در صدر او در صفحی نوشته
 بعضی نه ه سینه رسیده اما لا اله الا الله علی شریح در بحر
 بعلاوه تقصیر اصیدین قدیم را مختصراً در صد بحر طوسی را مفصلاً
 شاید معتقد خاطر هما یون کرد و اول سبکه رسیده مشهور تر از
 حکیم است بعضی گویند که او در این سبزه است نقیض در صدر
 همشگانه از آثار طبع شریف است و بعضی نوشته اند اول صد
 که بسته شد صد طوطی در سبزه در سبزه میظن و فطرس خان
 در محبط نکر است در انقلاب صیف در بریه حکما شایسته که

که دارالملک یونان است در سال سصد و شصت و نه تاریخ بختصری
رصد بسته و بعد از آن ابرخس در اسکندریه رصد بسته تاریخ بختصری
در پانصد و هشتاد و شش بود پس از آن برایت و چهار و چهار سال
مالانوس حکیم نیک جدید جامع را اختیار کرده و بطلمیوس در هشتاد و
بختصر در اسکندریه در زمان سلطنتش پور رصد بسته و بطبراق تصنیف
کرده پس از آن بحیر بن ابی منصور در ۱۵۷۷ کهنه پانصد و هشتاد و
بختصری در شامیه رصد بسته و پانصد و هشتاد و سال از رصد
بطلمیوس منقضی شد که کلمه مأمون خلیفه عباسی محمد بن حایر خوانی
و خالده مردزی و عیسی اسطرلابی و سنه بن علی و بحیر بن ابی منصور
و عباس بن سعید جوهری دمشق را الاثناب بجهت رصد نموده
رصد بسته و بعد از آن کلمه مأمون رصد و چهار و چهار سال
مبصر دیزج ابن اعلم بصره و سنه ۱۵۹۹ و محمد بن علی کهنه پانصد و هشتاد و
نود و نه

بختصری در نیشابور صد بسته و در ^{۷۰} شش یک هزار و شصده و هفت بختصری
 محمد و احمد بن موسی بن شاکر معروف به بنی موسی در سمرقند زای رسته
 و در ^{۶۳۰} شش یک هزار و شصده و سی و شش بختصری سیان عصبه سمرقندی
 در بلخ صد بسته و در ^{۷۱۰} شش یک هزار و هفتصد و هفده بختصری ^{احمد بن} ابوبکر
 عبد الرحمن صوفی کجیت غصنه الدوله و طبر صد بسته و در شر از صوره ^{کلی}
 مضبوط شش و بعد از چهار سال ابو الوفاء بروجانی در بعد از صد بسته
 و بعد از بیست سال ابو محمود خجندری برای فخر الدوله و طبر صد بسته و
 از بیست و چهار سال ابوریحان بن احمد سپردنی خوارزمی در غر کجیت
 سلطان محمود غزنوی صد بسته و قاتون محمودیرا کجیت آن سلطان
 نوشته و بعد از صد ابوریحان بصد و ^۳ سال حکیم حامد الدین و حکیم
 اوصد الدین النوری ابیوردی شاعر معروف و زاهر عبد الرحمن خان
 بیج شاهی را بسته و بعد از بیست و هشت سال حکیم فرید الدین ابوالحسن

علاء بن عبد الکرم با کوفی نیک علانی را بسته چون مکتوبات آن بن تو
خان بن جنکیر خان در سنه ۶۴۸ شمس و چهارم و بیست هجری
و قراقرم بعد از فوت کیو که خان بر سنده سلطنت جلوس کرد
های در غنیمتین رصد حدیث از اینکه مکتوبات آن میان سنده
مغول در نشر علوم ریاضی دهند نهایت مسایر اداست و بجهت
سراپا نام امر رصد حملب الدین محمد بن طاهر بن محمد الزبیر البزاری
برادر سلطنت خان بالغ احضار کعبه و ما فی الصنیر را بادی تقریر کرد
آن فاضل نخبه چون از عهد این مهم خطیر ربنی آمد اقرار بعجز و
اعتراف بعدم کفایت خود کرد و تمای مکتوبات آن مفسر یافت
این عهد را در دل داشت تا آنکه تسخیر ایران را بعد از هلاک خان
برادر خود واکذاشت او را بر بلخ داد که بعد از فتح ایران قطع
مستلح ملاحظه سلطان مکیا حواجه بصیر الدین محمد طوس را

که بطیموسر دهر است و اقلیدس عصر دوبرکاهی است در دست
 ملاحه مغلول می باشد برادر الملک خان بالغ فرستاده بدستری
 وی امر رسد را مضایر داده هلاکو خان بعد از فتح سمیون در
 حلافت ملایع ملاحه بود و خواجه رستم نصوحه و لذت کمال شغف
 و انبساط بملاقات شریف وی دریغ داشت که مثلث
 برینج مسکوفه آن را نموده دیرار وانه قراقرم کند و ذکر رسد بلا با نجیب
 در میان ساد و جناب خواجه نعمت فرمودند که بعد از فتح دار کلا
 و سایش ایلمان امر رسد را سرانجام داده و بعد از فتح دار کلا
 بعد از جمع از فضیله عصر را عطا و نموده و تیه اسباب رسد را از
 ایلمان خواسته و هلاکو خان فرما داد تا مؤید الدین بن برکات
 مبارک العرضی که مشغول که عرض قریه الیت بهشت و در دمشق برای
 ملک المصنوع صاحب جمعی در حضور وزیر نجم الدین اللودی مشغول

کلیه ساختن الت صدی بود و فخرالدین مراغی که بمصر بود
 و محیی الدین اخلطری که تغلبس بود و ابو الحسن عیاض بن عمر القزوی بنی مغرب
 بنجم الدین و پیران که در قزوین بود و متن شمسیه منطق و تصنیفات
 اوست در وزارت خواجسته حس الدین محمد تصنیف کرده و قطب الدین
 علامه شیرازی مصنف دایرة التاج از علامه استخفاف بود و در
 حدیث ایشان بعد از حضور فضلاء و اتمام اسباب رصد راجع آنکه
 مؤید الدین مفضل بن یوسف نوشته محراب سامی آنها اختصار میکند
 اقتباس التلیک که او را بطلمیوس بر لبه و در آن رصد ربع خولده اند
 محتاج است به بولد ممتد از جنوب شمال تا زالت ذات اسکلوت
 و آن پنج حلقه است در میان کلبه کبر و کلبه استغنی و است این را
 از ذات اسکلوت سته بطلمیوس و ذات اسکلوت نعه تا و آن کلبه
 و التلیم التلیک بطلمیوس وضع کرد برای دانشمندان و التلیم

از آن که ما که بطریق سرنا سیده است التي که خبر سیده در
 شمس که از نقطه اعتدال را و آن پنجم ذات الهدیه التی
 که در ذات الثقبین نیز گویند و آن ششم ذات الرعین
 که بجای ذات اسفل صوب کرده و از دایره یازده و آن هفتم
 ذات السطولین و آن ششم ذات الحجب و التی ثلث
 ذات الحجب و التی و التی دهم التی کامله و التی عشره
 و بعد از خضوع سیده و تمام حساب رصد در ۶۵۷ شمس
 پنجاه و هفت بحری در بلده مراغه و عرض شمس از خط استوا
 سی و هفت درجه و سبب دقیقه و طولش از جریز خلد است
 هشتاد و دو درجه زادی و انحراف که از خط نصف النهار شمس
 درجه بنای رصد را نهاده و تالی ۶۶۳ شمس و شمس و تالی ناقصه در
 کاه مغنصه حرکات و سحاب و عرض و سحاب بود و چنانچه

چون در ربیع الآخر آن سال هلاکوخان از بلاق مرزغه بمشلاق
چغقورفته در بین راه بکته در گذشت امر رصد بهمان قدر باقی ماند
و قضایا بستن رصد را محرز طوس در اواسط نیک مفصلایان کرده
و در تاریخ فوت هلاکوخان گفته چون هلاکوز مراغه برستان گشته
کرد تقدیر ازل نوبت عمرش آخر سال بر شصت و شصت و شصت
که شب نوزدهم بدربار ربیع الحسنة و بعد از آن رصد بانه که روزگار
شیخ محیی الدین مغربالزیح او را تمام کرد و لذلک اشغال که در اینجا
ایمانی بود حدیث است و بعد از رصد ایمانی در ^{۸۴۱} شصت و شصت
چهار و یک هجری بکم سلطان شهید الغ بیگ بن شاهرخ بن تیمور
کورکان بسبب بغاوت و علم آن خاقان مقتدر غیاث الدین
محمّد کاشغر و صلاح الدین موسی المشرقی بقاضی زاده رود و عیان
محمد و شجر در محروک سمرقند زیح سلطان با تمام رسیده و بعد از آن

و بعد از آن بانکه روزگاری سهمیه بن برج از حمیدی و عبد العلی
 میرجندی کتیب آن رصد کرده هر یک شرحی بزنج سلطان نوشته
 و پس از آن رصدی بسته نشد مگر در زمان شاه سلیمان صفوی
 شرح برکت زیگانه نوشته و این علم را کتیب کرد پس از آن در عهد
 سلطنت محمد شاه پندی سلالة محمد دمان باریه در دیا شاه
 جهان لک لکت راجه جی سندن و میرزا خیرآله و شیخ عبد
 محمد سردر ^{۱۳۱} کتیب از دکتیبه و سی دکتیب بزنج جدید نهی
 با تمام سینه و همچنین ابن علم متروک مانده و ملوک بعد در رصد
 کتیب تصانیف ابن رصد بر نیاده تالیف که در زمان این شهنشاه
 جهان پناه حرولت وی جاوید باد و سبب است در جداول آن
 بزنج شده و تحقیقات در مراتب وی گشته که اگر چندین رصد در
 کثیره بسته شدی آنگاه فایده مذادی علل در تحقیق خرابست

چنانکه من خود چندین جدول را تهیه کرده امید آنکه عما قریب صدی
مخصوص بسته شود و زیج ناصری ناسخ زنگنه است کرده و در زیج کسینی
مصحح فرانس جدول در ذکر راصدین بود آنچه راصدین ایران بود
و نوشته بودیم پرودن کرده باقی را ثبت نموده و آنچه در کتب از
اسمی لاصادیده و تاریخ دی معلوم نیست زیج ناون اسکندر شاه
زیج کوشیار و زیج صفیج و زیج دجین بن رستم کهنه را بهر قدر که
مت ارساله

جدول اینست

راصدین که درینج کسینی ذکر کرده

مقبل المیلاد	
۲۳۰	راوندنہ نہیں
بعد المیلاد	
۳۹۰	با یوس
۸۸۰	الباقینوس عرب
۱۰۷۰	لذاتہ
۱۳۰۰	بروقا جیوس
۱۴۶۰	رکبو مونتا نوس
۱۵۰۰	والتر یوس
۱۵۰۰	کیرنیک پروسی
۱۵۷۰	داسنے
۱۵۷۰	تہو
۱۶۰۰	قاسندی
۱۶۵۶	قاسنین
۱۶۷۲	رہہ
۱۷۳۸	کسینی

۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰